

بذر فریاد

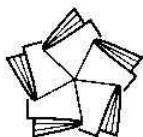
گزیده اشعار

احمد مطر

دو زبانہ، عربی - فارسی

ترجمہ

یونس مرادی جعفری



نشر گل آذین

۱۳۹۵

بذریعہ

احمد عمر (۱۹۵۶ -)

مقدمہ و شعر حمد مطربہ همراه ترجمہ اشعار

دو زبان: عربی - فارسی

گردآوری و ترجمہ: پروفیسر دی. نعلو

ویرایش: دکتر رضا ناظمی

تہران: گل آذین، ۱۳۹۵، ۱۲۹ ص

فہرست نویسی بر اساس اطلاعات قیفا

شاپک ۵-۳۸ - ۶۴۱۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸

فیای مختصر

فہرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۶۶۰۸۴

بذر فراد ■

ترجمه: یونس سرادی جعفرلو

پ اول: ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

طرح روی جلد: سید شهاب

حروف نگاری و صفحه آرایی: کارگاه نشرین اذ

لینوگرافی و چاپ و صحافی: کتاب شعب

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۱۴-۴۸-۵ ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۱۴-۴۸-۵ ISBN 978-600-6414-48-5

E-mail: GOL_AZIN@YAHOO.COM

WWW.GOLAZINPUB.COM

تهران: خ انقلاب، خ لیاپی نژاد، پلاک ۱۴۶، واحد ۴، تلفکس: ۰۸۱۶-۷

فهرست

۱۱	پیش‌گفتار	۱۸	بیداری
۳۴	زیانکار	۱۹	یقظة
۳۵	الخاصر	۲۰	تهمت
۳۶	پزواک	۲۱	الثمة
۳۷	الضدي	۲۳	مسأله اساسی
۳۸	عدالت	۲۴	مسأله مبدأ
۳۹	عدالت	۲۵	طبیعت ساکت
۴۲	رسم	۲۶	طبیعة صامته
۴۳	درس	۲۷	جدول کارها
۴۴	چیستان	۲۸	جدول الأعمال
۴۵	اللعر	۲۹	روشنایی
۴۶	انقلاب خاک	۳۰	اضاءة
۴۷	ثورة الطین	۳۱	آرزو
۴۸	قلم	۳۲	نُبان
۴۹	خداوند دانایتر است	۳۳	نژادگی
۵۰	الله أعلم		انتساب
۵۱	اشکی بر جنازه آزادی		

۵۳	دمعة على جثمان الحرية	۹۱	سر المهنة
۵۶	رؤيا	۹۲	شيوه
۵۷	خلم	۹۳	أسلوب
۶۰	دلآوری	۹۴	در انتظار گودو
۶۱	بطولة	۹۵	فی انتظار غردو
۶۲	عصر جاهلیت	۹۸	یادداشت
۶۳	جاهلیت	۹۹	ملحوظة
۶۶	تألیف بی در مسیر جاده	۱۰۰	صادرات و واردات
۶۷	علامات علی طریق	۱۰۱	تصدیر و استيراد
۶۸	پسز یکی برای لامتی مضر	۱۰۲	سخت تر از اعدام
۷۰	است	۱۰۳	اقتی من اعدام
۷۱	الطّب بضر بصحتک	۱۰۴	انتقامها
۷۲	شاید	۱۰۵	الرات
۷۳	رُیما	۱۰۶	مسلك پروانه
۷۴	بی توانان	۱۰۷	مذهب الفراشة
۷۵	البوساء	۱۰۸	الاحاح ارضی
۸۲	شایعات مغرضانه	۱۰۹	الاحاح خزانة
۸۳	إشاعات مغرضة	۱۱۰	وظیفه هم
۸۶	خلاصه	۱۱۱	وظيفة القلب
۸۷	الخلاصة	۱۱۲	شیطان هوا
۹۰	راز پیشه	۱۱۳	شیطان الأثیر

۱۴۵	مُشَاتَمَة	۱۱۴	ناز و کرشمه
۱۴۶	ارتباط	۱۱۵	دلال
۱۴۷	نواصل	۱۱۸	وصیت‌های قاطر روشن فکر
۱۵۰	سالنامه اجمالی	۱۱۹	وضا یا انبعل المُستنیر
۱۵۱	تقویم اجمالی	۱۲۲	در برابر باروها
۱۵۲	عیدها	۱۲۳	أمام الأسوار
۱۵۳	أعیاد	۱۲۴	زمره داغ و تشنه
۱۵۶	مراحل دگردیسی	۱۲۵	الرضاء والرضا
۱۵۷	أدوار الإستحالة	۱۲۶	محبوس
۱۶۰	چشم‌درد و سرمه‌کش	۱۲۷	محبوس
۱۶۱	الأرمد و الکحال	۱۲۸	هرگز نخواهد مرد
۱۶۴	گم‌شدگان	۱۲۹	لین تموت
۱۶۵	مفقودان	۱۳۰	جشن
۱۷۰	جهاز	۱۳۱	الحفنة
۱۷۱	شگفتی	۱۳۴	غير قابل وصف
۱۷۲	کنگ و بیج	۱۳۵	ناقصة الأوصاف
۱۷۳	إلتباس	۱۳۸	چگونه تمیز باشیم؟
۱۷۴	سفید و سیاه	۱۳۹	كيف تأتينا النظافة؟
۱۷۵	الأبيض والأسود	۱۴۲	برتری‌ها و عیب‌ها
۱۷۸	سرنوشت مشترک	۱۴۳	مزایا و عیوب
۱۷۹	قدر مشترک	۱۴۴	فحاشی

۲۰۴	بازگشته‌ی از چراگاه.....	۱۸۲	خودکشی کنندگان.....
۲۰۵	عائد من المُتَجع!.....	۱۸۳	المنتحرون.....
۲۰۸	بازگشت نگهبان.....	۱۸۶	پرس و جو.....
۲۰۹	أوبة الحارس.....	۱۸۷	مُساءلة.....
۲۱۴	موانع.....	۱۹۰	کنمان‌کننده.....
۲۱۵	عوائق.....	۱۹۱	المُتَكَنَّم.....
۲۱۸	حکایت کیوتران.....	۱۹۴	پیرو شین.....
۲۱۹	حديث الحمام.....	۱۹۵	شوخة الكاء.....
۲۲۲	شطرنج.....	۱۹۶	من کس؟.....
۲۲۳	شطرنج.....	۱۹۷	من آ؟.....
۲۲۶	مجازات‌های قانونی.....	۲۰۰	شعرسنداره.....
۲۲۷	عقوبات شرعی.....	۲۰۱	القصيدة المقبولة.....

پیشگفتار

۱- مدد مظلوم و بلاکاردها

احمد مطهر در سال ۱۹۵۱ میلادی در روستای «تنومه» از توابع شهر بصره کشور عراق متولد شد. وی به شعرهای انتقادآمیز و گزنده‌اش در مورد حاکمان عرب معروف است. شعرهای آغازین او تحت‌تأثیر محیط روستا و همچنین فضایی حاکم بر شعر عرب بیشتر عاشقانه و رمانتیک بوده. ولی پس از دیدن مشکلات اجتماعی مردم و تضاد بین آنان و حکومت سلطه‌طلب و همچنین درک فقدان آزادی در جامعه به سرودن اشعار سیاسی - اجتماعی روی آورد. مطهر، عراق را به قصد کشور کویت ترک کرد و در بخش فرهنگی روزنامه‌القبس مشغول فعالیت شد. وی «ناقص‌العلمی» کاریکاتوریست مشهور فلسطینی در انتشار روزنامه‌بلافا در مکانی داشته و هر دو در راه مبارزه با استبداد حاکم بر جامعه عربی کشته شدند.

برمی داشتند. احمد پس از ترور ناجی‌العلی، شعر بلندی با نام *ما أصعب الكلام*^۱ در رثای دوست انقلابی خود سرود. وی هم‌اکنون در لندن ساکن است.

اشعار عاشقانه احمد مطر غالباً طولانی بودند و تعداد ابیات آن گاه به صد می‌رسید اما شعرهای سیاسی - اجتماعی وی از لحاظ مضمونی بسیار غنی و موجز بودند که گاه تا حد یک بیت نیز تقلیل می‌یافت. به گونه‌ای که آن‌ها را *اللافتات*^۲ می‌نامید. و شاید وجه اشتراک مطر با پلاکارد همان جنبه سیاسی بودن، کوتاهی و انتقادی بسیار صریح و گزنده آن باشد.

اللافتات با یادآورده عنوان هفت دفتر شعری است که به ترتیب چنین منتشر شده‌اند: *لافتات* (۱)، ۱۹۸۴، *لافتات* (۲)، ۱۹۸۷، *لافتات* (۳)، ۱۹۸۹، *لافتات* (۴)، ۱۹۹۲، *لافتات* (۵)، ۱۹۹۴، *لافتات* (۶)، ۱۹۹۶ و *لافتات* (۷)، ۱۹۹۹.

احمد مطر علاوه بر *لافتات*، دو دفتر شعر کم‌حجم دیگر به نام‌های *دیوان الساعة* (۱۹۸۹)، *انی المشرق اعزله* (۱۹۸۹)، *العشاء الأخير* (۱۹۹۰) دارد که تمامی این اشعار در کتابی با نام *اعمال الشعرية الكاملة* ل احمد مطر جمع آوری شده است.

۱. چه سخت است سخن گفتن.
۲. پلاکاردها.

بذر فریاد

احمد مطر در فکر سرودن شعر نیست آن چیزی که زبانش را
می‌شاید شرایط اسفبار حاکم بر جامعه است؛ شرایطی که جز
اندوه چیزی برای شاعر ندارد.

من شعر نمی‌نویسم
بلکه اشعار مرا می‌نویسند
سکوت را پیشه می‌کنم
تا زنده بمانم
ولی آنچه را که می‌بینم زبانی گشاید
و چیزی نمی‌بینم
جز، اندوه
بر اندوه
بر اندوه

(اشکی بر جنازه آزادی)

شعر مطر سراسر غم است و انتقام‌جویی؛ تا جایی که دیگر
تاب تحمل ظلم را ندارد و می‌خواهد فریاد بکشد. شاعر با دل

پیر از کینه، خود را بذری می‌داند که روزی سر برخواهد آورد و با
فریاد شکفتنش سکوت قبرها را درهم خواهد شکست. مطر به فکر
انتقام از جامعه مرده‌ای است که سکوت آن به قبرستان می‌ماند او
به فکر فریاد است؛ فریادی از جنس شعر.

انتقام من در دل زمین نهفته است

به بردی همه مردم خواهند دید

که خود فریاد زایش

از سکوت قبرها رمی خیزد

خورشید مرد می‌برد

ولی انتقام شالوفه‌ها در گز!

(از: م‌ها)

زبان شعری احمد مطر گاه بساط تلخ و گزنده است و گاه همراه
با طنزی ظریف است که بیشتر به کسان برب را مورد ریشخند خود
قرار می‌دهد و حتی تحقیر می‌کند تا جایی که زبان را از قاضی کمتر
می‌داند.